



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
لجنة حقوق الانسان الاسلاميه في ايران



**دلیل واقعی حمله اسرائیل به ایران؛
فقدان هر گونه ماهیت پیشگیرانه حمله اسرائیل به زیرساخت‌های نظامی، غیرنظامی و مسئولان
ایرانی**

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

بهار ۱۴۰۴

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

تجاوز ۴ روز قبل رژیم جنایت پیشه اسرائیل به ایران، در حال حاضر آخرین مورد از تجاوزات رژیم است که طی چند دهه گذشته سوابق متعددی از تجاوز به کشورهای مختلف و جنایت علیه مردمی دارد که خانه و کاشانه آنها را تصرف و اشغال کرده است. معلوم نیست رژیم اشغالگر و متجاوز با حمایت برخی قدرتهای جهانی آیا باز فرصتی خواهد یافت که این سلسله تجاوزات و جنایات را ادامه دهد یا در حمله به ایران سرش به دیوار کوبیده خواهد شد و در معرض پاسخگویی قرار خواهد گرفت و بزرگترهایش ناچار خواهند شد در تعدیل وضعیت او اقدام و حداقل، به اجرای قطعنامه های سازمان ملل که تصرفات بعد از ۱۹۶۷ در سرزمین فلسطین را نامشروع می دانند، تن دهند و امکان ایجاد دولت مستقل فلسطینی را فراهم آورند. فرض دیگر محتمل نیز شرایطی است که ریشه این هویت سیاسی نامشروع و ضد انسانی از سرزمین فلسطین برچیده شود که البته اگر واقع شود مردم تحت ستم فلسطین و همه آزادیخواهان جهان را شاد خواهد کرد.

در ۴ روز اخیر، معدود نوشتارهایی در خصوص این تجاوز در سطح جهانی تقریر یافته که هر یک سعی کرده اند به مطلبی در خور تامل اشاره کنند. امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران سعی می کند به مرور این متون را به مخاطبان عزیز فارسی زبان معرفی کند. نوشتار حاضر یکی از مجموعه مقالات منتشره است که سعی کرده تا دلایل احتمالی حمله اسرائیل به ایران را مورد بحث قرار دهد و از نگاه خود دلیل اصلی حمله نتانیاهو از تجاوز به ایران را مطرح کند.

نشر هر نوشتار خارجی به معنای تأیید همه نکات مطرح شده در مقاله نیست اما می تواند به اطلاع مخاطبان از نظرات کارشناسان مختلف در سطح جهانی در مورد مسئله ای که این روزها مسئله همه ایرانیان وطن دوست در سراسر جهان است، کمک کند.

امید است جنایتکاران متجاوز به ایران هر چه سریعتر در معرض پاسخگویی و اجرای عدالت قرار گیرند و ایران عزیز از هر گونه صدمه و لطمه جنایتکاران مصون بماند و این روزهای تلخ تجاوز به وطن و خرابکاری در ایران به سرعت سپری شود.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

خرداد ۱۴۰۴

♦ نویسنده: اوری گلدبرگ، تحلیل گر مستقل، دارای دکترای مطالعات خاورمیانه با تخصص در امور ایران.

♦ ترجمه مقاله از انگلیسی به فارسی: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، ۲۵ خرداد ۱۴۰۳

♦ مآخذ: منتشره در بخش زبان انگلیسی شبکه الجزیره

♦ شناسه متن: ۰۴/۱/۱۱۵

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.



متن مقاله:

با ورود درگیری مسلحانه اسرائیل و ایران به سومین روز خود، شمار تلفات در هر دو طرف رو به افزایش است. دست کم ۸۰ نفر در ایران و دست کم ۱۰ نفر در اسرائیل کشته شده‌اند. با وجود واکنش مرگبار ایران [در چارچوب دفاع مشروع]، مقامات اسرائیلی همچنان بر این نکته تأکید دارند که حملات به تاسیسات هسته‌ای و نظامی مختلف ایران، ضروری بوده است.

[در خصوص تجاوز به ایران] دلایل متعددی برای افکار عمومی اسرائیل مطرح شده‌اند، اما هیچ کدام واقعیت پشت پرده تصمیم دولت اسرائیل برای انجام این حمله یک‌جانبه و فارغ از هر گونه تحریک [طرف مقابل] را توضیح نمی‌دهد.

دولت اسرائیل مدعی است که این حمله «پیشگیرانه» بوده و با هدف مقابله با تهدیدی فوری و اجتناب‌ناپذیر از سوی ایران برای ساخت بمب هسته‌ای انجام شده است. با این حال، به نظر می‌رسد هیچ گونه مدرکی برای اثبات این ادعا وجود ندارد.

حمله اسرائیل بدون تردید طی مدت طولانی با دقت فراوان برنامه‌ریزی شده بود. یک حمله پیشگیرانه باید دارای عنصری از دفاع از خود باشد که آن نیز ناشی از یک وضعیت اضطراری است. اما هیچ وضعیت اضطراری‌ای به نظر نمی‌رسد رخ داده باشد.

علاوه بر این، اسرائیل مدعی شده که گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) که در ۱۲ ژوئن منتشر شد و ایران را به دلیل نقض‌های اساسی تعهداتش طبق پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) تا اوایل دهه ۲۰۰۰ محکوم می‌کند، به‌نوعی چنین وضعیت اضطراری‌ای را نشان می‌دهد. اما حتی به نظر می‌رسد خود آژانس نیز این ادعا را رد می‌کند. در این گزارش، هیچ مطلب جدیدی وجود نداشت که پیش‌تر برای طرف‌های مربوطه ناشناخته بوده باشد.

دولت اسرائیل همچنین در ارتباط مستقیم با مفهوم «حمله پیشگیرانه» ادعا کرده که هدف آن «قطع سر» برنامه هسته‌ای ایران بوده است. با این حال، اغلب کارشناسان و سیاست‌گذاران معتقدند که اسرائیل توانایی نابودسازی کامل این برنامه را ندارد، به‌ویژه اگر به‌تنهایی چنین حمله‌ای را انجام دهد. ماهیت این عملیات، همان‌طور که در حال گسترش است، نیز نشان می‌دهد که اسرائیل هیچ‌گاه قصد نداشته فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به‌طور کامل نابود کند. ارتش اسرائیل در حال بمباران اهداف مختلف نظامی و دولتی است، از پایگاه‌های موشکی گرفته تا یک میدان گازی و یک انبار نفت. همچنین مجموعه‌ای از ترورها علیه فرماندهان ارشد نظامی ایران انجام داده است. علی شمخانی، وزیر دفاع پیشین و مشاور نزدیک رهبر عالی ایران، آیت‌الله علی خامنه‌ای، از جمله افرادی بوده که هدف

قرار گرفته و گزارش‌ها حاکی از آن است که کشته شده است؛ هرچند رسانه‌ها و مقامات رسمی ایران هنوز به‌طور رسمی خبر مرگ او را تأیید نکرده‌اند. شمخانی به‌عنوان یکی از چهره‌های اصلی گفتگوهای اخیر با ایالات متحده شناخته می‌شد. [امور پژوهشی کمیسیون یادآوری می‌نماید که برابر اخبار منتشره در رسانه‌های ایران در روز جاری دوشنبه ۲۶ خرداد، آقای شمخانی در بیمارستان تحت درمان است و شرایط وی رو به بهبود می‌باشد].

ترور او، در کنار دیگر ترورها، بازتاب‌دهنده یکی از روش‌های مورد علاقه اسرائیل است. اسرائیل اغلب تلاش می‌کند افراد خاصی را «حذف» کند به امید آنکه مرگ آن‌ها به فروپاشی سیستم‌ها و نهادهایی که رهبری‌شان را بر عهده دارند، بینجامد. مرگ شمخانی را می‌توان تلاشی برای خرابکاری در مذاکرات میان ایران و ایالات متحده تلقی کرد.

در هر صورت، این ترورها همچنین نشان‌دهنده وجود یک برنامه دقیق برای به نمایش گذاشتن قدرت اسرائیل در [نفوذ به] تمام سطوح حیات رسمی و ساختارهای حکومتی ایران است. این عملیات، به‌هیچ‌وجه به معنای «قطع سر» برنامه هسته‌ای ایران نیست.

سومین فرضیه این است که اسرائیل عزم خود را جزم کرده تا «تغییر رژیم» در تهران را آغاز کند. نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو نیز این موضوع را به‌صراحت بیان کرد، زمانی که از «مردم پرافتخار ایران» خواست برای «آزادی از رژیم شرور و سرکوبگر» قیام کنند. این تصور که ایرانی‌ها به‌سادگی مطابق خواست اسرائیل عمل خواهند کرد، در حالی که به‌طور یک‌جانبه و بی‌وقفه هدف بمباران قرار گرفته‌اند، شبیه به این باور است که اگر اسرائیل مردم فلسطین در غزه را به‌اندازه کافی گرسنه و نابود کند، آن‌ها علیه حماس برخاسته و آن را از قدرت برکنار خواهند کرد.

حتی اگر چنین فرضی درست باشد، این تصور که ایرانی‌ها فقط منتظر یک حمله اسرائیلی هستند تا علیه رژیم برخیزند، نشان‌دهنده درک عمیقاً ناقصی از نیروهای فعال در سیاست ایران است. گرچه تردیدی نیست که افراد زیادی از ایرانیان با جمهوری اسلامی مخالف‌اند، اما ایرانیان در طیف‌های مختلف سیاسی همواره روحیه‌ای «میهن‌دوستانه» داشته‌اند و به حاکمیت و استقلال ایران در برابر هرگونه تلاش عناصر خارجی برای تحمیل اهدافشان وفادار مانده‌اند.

در واقع، همان‌گونه که بسیاری از اسرائیلی‌هایی که خود را منتقدان سرسخت نتانیاهو می‌دانند، با آغاز حمله اسرائیل فوراً به صف حامیان دولت پیوستند- و به‌ویژه برخی از اعضای «اپوزیسیون» پارلمان که اکنون آشکارا از دولت حمایت می‌کنند- بسیاری از مخالفان جمهوری اسلامی نیز اکنون به نشانه حمایت از حاکمیت [و تمامیت ارضی ایران] نقض شده ایران، پشت پرچم کشورشان قرار گرفته‌اند. ادعای اینکه اسرائیل با این حملات صرفاً در حال «زمینه‌سازی» برای یک شورش مردمی در ایران است، در بهترین حالت، نوعی سوءاستفاده و تحریف بدبینانه است. اسرائیل به دلایل پیش گفته به ایران حمله نکرده است.

پس چه عاملی این حمله را رقم زد؟

در میانه‌ی کارزار نسل‌کشی [اسرائیل] در غزه، نتانیاهو کاملاً آگاه است که دولت او به پایان راه رسیده و گزینه‌هایش محدود شده‌اند. جامعه بین‌المللی، به همراه متحدان منطقه‌ای، اکنون آشکارا به انتقاد از اسرائیل پرداخته‌اند. برخی کشورها نیز در حال آماده‌سازی اقداماتی یک‌جانبه هستند، مانند به رسمیت شناختن گسترده کشور فلسطین. دستور بازداشت صادر شده توسط دیوان کیفری بین‌المللی برای نتانیاهو در حال نزدیک شدن [به اجرا] است و رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد [عدم] مشروعیت اشغال‌گری اسرائیل نیز در آستانه اجرا قرار دارد. ارتش اسرائیل بارها دست به کشتار جمعی زده، آن را انکار کرده و در نهایت مشخص شده که دروغ گفته است.

هیچ تردیدی وجود ندارد که نتانیاهو سال‌هاست حمله به ایران را برنامه‌ریزی کرده و در انتظار «زمان مناسب» بوده است. این زمان، روز جمعه فرا رسید. این حمله تلاشی نومیدانه برای بسیج دوباره افکار عمومی جهان در پشت سر اسرائیل است، درست در لحظه‌ای که جهان در حال آماده شدن برای پایان دادن به مصونیت مطلق است که اسرائیل از زمان تأسیس خود از آن برخوردار بوده است.

ایران همچنان از سوی بسیاری از قدرت‌های برجسته در جهان شمال به عنوان تهدیدی بالقوه تلقی می‌شود. نتانیاهو با استفاده از مضامین آشنای مرتبط با اقدامات مرگبار و یک‌جانبه اسرائیل - از وعده‌های الهی گرفته تا یادآوری هولوکاست - امیدوار بود وضعیت موجود را احیا کند: اینکه اسرائیل هنوز هم می‌تواند هر کاری که می‌خواهد، بدون پاسخگویی، انجام دهد.

این، تعریف کنونی اسرائیل از «امنیت» است. مقدس‌ترین [مفهوم و] اصلی که در هسته هویتش جای دارد و مفهومی که ظاهراً غیرسیاسی جلوه می‌کند اما در واقع بنیان «اسرائیلی‌بودن» را شکل می‌دهد؛ جایی که تماماً به برتری [نژادی] یهودی اختصاص یافته است، و تنها «راه واقعی» برای حفظ جان یهودیان تلقی می‌شود.

در این چارچوب، «امنیت» به این معناست که اسرائیل می‌تواند هر کسی را که بخواهد، هر زمانی که بخواهد، در هر مکانی که بخواهد، بکشد و تا هر مدت که بخواهد، به این روند ادامه دهد، بی آن که در قبال این اقدامات، هزینه‌ای بپردازد.

این همان مفهوم «امنیت» است که محرک اصلی اقدامات اسرائیل از غزه تا یمن، لبنان، سوریه و اکنون ایران بوده است. چنین «رژیم امنیتی» ناگزیر باید به طور پیوسته گسترش یابد و توقف برای آن ممکن نیست. با حمله به ایران، نتانیاهو همه چیز را به قمار گذاشته است؛ او برای اسرائیل و برای خودش، چه در برابر دیوان کیفری بین‌المللی در لاهه و چه در دادگاه‌های داخلی، خواهان مصونیتی کامل و مطلق است. آیا این اقدام، نجات‌دهنده نتانیاهو خواهد بود؟ آیا افکار عمومی اسرائیل او را به خاطر شکست‌های فاجعه‌بار داخلی‌اش و جنایات دهشتناک در غزه خواهند بخشید؟ با نگاهی به فضای کنونی شادی و سرخوشی [!] در گفتمان

عمومی اسرائیل، به نظر می‌رسد که پاسخ، ممکن است مثبت باشد. [اما] صف‌های طولانی که جلوی هر فروشگاه باز، چه ابزارآلات و چه مواد غذایی، کشیده شده‌اند [و دهها نشانه دیگر از وخامت اوضاع در اسرائیل] نشان می‌دهد که اسرائیلی‌ها وارد حالت بقا و گذر از بحران شده‌اند. شهروندانی رام و مطیع شاید برای نتانیا‌هو مفید باشند، اما این وضعیت نویدبخش روزهای تیره‌ای برای هر تلاشی در جهت ساختن و حفظ جامعه‌ای پویا و قوی در اسرائیل است.

